

فاطمه در حدیث دیگران

مجموعه احادیث دیگران

سید جعفر ربانی

۱- سایت تخصصی حضرت فاطمه سلام الله علیها - گروه فرهنگی محدثه

www.mohaddaseh.ir

info@mohaddaseh.ir

mohaddaseh@gmail.com

فهرست:

• مقدمه

• فضایل

○ شباہت به پدر

○ مبارز خردسال

○ در میدان نبرد

○ اولین دیدار، آخرین وداع

○ برترین زنان

○ پاره تن پیامبر

○ مقام عصمت

○ در مباحله

○ دوستاناران فاطمه

• ازدواج

○ جهیزیه

○ هدیه پیامبر، به مناسبت ازدواج

○ هدیه فاطمه به علی

○ فاطمه در منزل علی

• مناظرات فاطمه

• در سوگ پدر

• رحلت

• روایات

مقدمه

مروری بر زندگی حضرت زهرا (س) در کتب و مخصوصاً صحاح اهل سنت [۱] از دو جهت اهمیت دارد: نخست اینکه؛ عظمت بانوی دو عالم، نزد هر دو گروه آشکار می‌شود. و دیگر اینکه، با وجود چنین عظمتی چگونه بسیاری از اهل نته تاویلات و توجیهاات تاریخ آن عصر روی آورده‌اند.

زندگینامه فاطمه (س) در این کتابها به شش فصل مهم تقسیم شده است:

فضایل صدیقه کبرا (س)،

ازدواج،

سوگواری پدر،

مناظرات «بویژه با خلیفه اول و دوم»،

رحلت،

و روایات آن حضرت.

[۱] ۱. الجامع الصحیح، محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶)؛ ۲. الصحیح، ابوالحسن مسلم بن حجاج نیشابوری

(م ۲۶)؛ ۳. السنن، ابی‌ماجه (م ۲۷۳)؛ ۴. السنن، ابی‌داود (م ۲۷۵)؛ ۵. السنن، نسایی، (م ۳۰۳)؛ ۶. الجامع، ترمذی

(م ۲۷۹). (این کتابها چنان منزلتی در نزد اهل سنت دارند که هیچ کتابی به پایه این شش مجموعه راوی نمی‌رسد.

فضایل

شبهات به پدر

فاطمه حقیقت پدر و انعکاس نور او بود که در جسم فاطمه متجلی گشت. عایشه می‌گوید: زمانی همه همسران رسول خدا (ص) برگرد و جودش جمع بودند در این هنگام فاطمه که مانند پیامبر گام برمی‌داشت، وارد شد با ورود او همه دیدند که پدر با محبت تمام به وی خوش آمد گفت و او را در کنار خود نشانده. [۱].

و باز عایشه نقل می‌کند: هیچ زنی را از جهت حرکات و نشست و برخاست و رفتار مانند زهرا (س) نسبت به پیامبر (ص) ندیدم. [۲].

بی‌شک تحمل و بردباری فاطمه (س) در برابر مشکلات مختلف ناشی از اخلاق پدرگونه او بود.

[۱] صحیح مسلم؛ کتاب فضائل الصحابه، باب فضائل زهرا (س)؛ صحیح ابن‌ماجه، باب ما جاء فی ذکر مرض رسول

الله (ص)؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۲۸۲.

[۲] صحیح ترمذی؛ ج ۲، ص ۳۱۹ - صحیح ابی‌داود، باب ما جاء فی القیام. مستدرک الصحیحین، ج ۴، ص ۲۷۲ -

الادب المفرد، بخاری، ص ۱۳۶.

مبارز خردسال

برای رهروان راه استقامت و صاحبان روحهای بزرگ، ایام طفولیت و بزرگی یکسان است.

در شرایط سخت اقتصادی، سیاسی و نظامی سرزمین مکه و دوران قبل از هجرت هرگاه پیامبر، خسته و رنجور از زخم‌زبان و شمشیر و سنگ به خانه می‌آمد دستهای کوچک زهرا بود که آرامش را به پدر باز می‌گرداند و به یاری او می‌شتافت.

آن روز پیامبر خدا (ص) در مسجدالحرام و در کنار کعبه مشغول نماز بود ابوجهل با عده‌ای دیگر در گوشه‌ای به هرزه‌گری سرگرم بودند، تا چشمش به پیامبر (ص) افتاد رو به آنان کرد و گفت: کدام یک از شما حاضر است بروید بچه‌دان شتری را که دیروز در این نزدیکی قربانی شده بیاورد و در حالی که محمد (ص) در سجده است آن را بر روی شانه‌اش قرار دهد. بدبخت‌ترین آنها گفت: من این کار را انجام می‌دهم. او در حالی که پیامبر در برابر عظمت خدا سر بر سجده داشت آن را بر روی شانه مبارک پیامبر (ص) انداخت. ابوجهل و همدستانش که این منظره را دیدند شروع به تمسخر پیامبر کردند.

ابن مسعود، از اصحاب بزرگ رسول خدا، می‌گوید: من در این وقت در مسجدالحرام بودم و این منظره را می‌دیدم اما جرات نداشتم جلو بروم و آن بچه‌دان شتر را از روی شانه مبارک پیامبر (ص) بردارم از این جهت در گوشه‌ای منتظر ماندم تا ببینم جریان به کجا ختم می‌شود؟

پیامبر همچنان در سجده بود! تا اینکه کسی جریان را به اطلاع فاطمه (س) رساند. او وارد مسجدالحرام شد و در حالی که از شنیدن این خبر بسیار نگران شده بود جلو آمد و بچه‌دان شتر را از شانه آن حضرت برداشت و سپس رو به عاملان این اهانت کرد و با زبان رسا آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار داد!

رسم پیامبر بر این بود که در هنگام نفرین یا دعا، سه مرتبه جمله را بیان می‌فرمود در این مورد نیز پس از سلام نماز، سه مرتبه با صدای بلند فرمود: اللهم علیک بقریش، خدایا این قریشیان را نابود کن!

به مجرد اینکه صدای حضرت به گوش ناشنوی آنان (ابوجهل و همدستانش) رسید مجلس بزمشان به مجلس دلهره و اضطراب مبدل شد.

ابن مسعود می گوید: پیامبر (ص) هفت نفر را به نام، نفرین کرد و همگی آنان در روز جنگ بدر به هلاکت رسیدند و بدنهای آلوده آنان در چاه بدر انداخته شد. [۱].

آری، در شرایطی که مردان دلاور و بزرگ مانند ابن مسعود، جمع کننده قرآن، جرات دفاع از پیامبر (ص) را نداشتند، این دختر شجاع و خردسال رسول الله (ص) بود که به حمایت پدر مظلوم خود برخاست.

[۱] صحیح بخاری؛ کتاب بدء الخلق، باب ما لقی النبی و اصحابه من المشرکین؛ صحیح مسلم، کتاب الجهاد و السیر، باب مالقی النبی و اصحابه من المشرکین.

در میدان نبرد

او تنها اهل عبادت و نشستن در منزل نبود. در میدان نبرد نیز شرکت می کرد و به یاری پدر می شتافت. مردی از سهل بن سعد (از اصحاب رسول خدا (ص)) سؤال کرد: در جنگ احد چه جراحتهایی بر بدن پیامبر (ص) وارد شد؟ جواب داد: آن روز، رخسار مبارکش آسیب دیده دندان و کلاهخود حضرت شکست. در آن روز فاطمه (س) دختر پیامبر (ص) خونها را از سر و صورت آن حضرت می شست و علی بن ابیطالب (ع) با سپر آب می آورد. ولی هنگامی که مشاهده کرد ریختن آب باعث خونریزی بیشتر می گردد قطعه حصیری را سوزاند و خاکستر آن را به روی زخم قرار داد تا خون بند آمد. [۱].

[۱] صحیح بخاری؛ کتاب بدء الخلق؛ صحیح مسلم، کتاب الجهاد و السیر، باب غزوة الاحد.

اولین دیدار، آخرین وداع

همه عالمان حدیث اهل سنت و شیعه نقل کرده‌اند دوری از فاطمه (س) بر پیامبر (ص) بسیار سخت بود. ابن داود از ثوبان، آزاد شده رسول خدا (ص)، چنین نقل می‌کند: پیامبر اکرم (ص) هرگاه عازم سفر می‌شد، آخرین کسی را که وداع می‌کرد فاطمه بود و در مراجعت از سفر اولین شخصی را که به دیدارش می‌شتافت، فاطمه اطهر (س) بود. [۱].

[۱] صحیح ابی داود؛ ج ۲۶، باب الاستفادة من العاج - صحیح بخاری، کتاب بدء الخلق - مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۷۵.

برترین زنان

سیده زنی است که برتر از دیگران باشد. ملاکهای فضیلت معیارهای مادی و زودگذر نیست که این مرام کم‌خردان است، بلکه معیار برتری در نظام ارزشی اسلام فضایل خاص معنوی است که از این رو در فاطمه سیده نساء معرفی شده است.

عایشه می‌گوید: روزی صدیقه طاهره نزد پیامبر (ص) آمد در حالی که حکمت او شباهت زیادی به راه رفتن پیامبر

(ص) داشت. رسول خدا تا چشمش به جمال فاطمه افتاد، فرمود: آفرین بر تو دخترم. آنگاه او را کنارش، راست یا

چپش، نشانده. بعد از مدتی سخنی آرام در گوش او گفت: زهرا (س) از شنیدن این سخن گریان شد.

از فاطمه سؤال کردم: چرا گریه می‌کنی؟

قبل از جواب فاطمه (س)، بار دیگر پیامبر سخنی آهسته با دختر خود گفت و زهرا (س) از این خبر خوشحال شد

و خندید.

من گفتم: تا امروز چنین خوشحالی همراه با غم ندیدم. سبب این دو را از ایشان جویا شدم. فاطمه (س) در جواب

فرمود: من راز پدر را افشاء نمی‌کنم.

این راز همچنان پوشیده ماند تا زمانی که پیامبر خدا (ص) رحلت فرمود، آن‌گاه بار دیگر سؤال را با ایشان مطرح

کردم، فاطمه (س) در پاسخ فرمود: در آن روز پیامبر به من فرمود:

جبرئیل در هر سال یک بار قرآن را بر من عرضه می‌کرد و امسال دو بار. من از این امر متوجه شدم که زمان

رحلتم فرا رسیده است و تو از خاندان من نخستین کسی هستی که به من ملحق می‌شوی. از این سخن پیامبر

(ص) ناراحت شدم. سپس فرمود: آیا خوشحال نمی‌شوی که به تو خبر دهم: برترین زنان بهشت یا زنان با ایمان

هستی؟! از شنیدن این خبر خوشحال شدم و خندیدم. [۱].

فاطمه برترین زنهای جهان است و مطرح شدن او به عنوان یکی از بهترین چهار زن جهان (خدیجه همسر پیامبر

(ص)، مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم) [۲]. منافاتی با این احادیث که فاطمه (س) را بهترین زنان می‌داند،

ندارد زیرا جمع این احادیث به این است که؛ زهرا (س) برترین آن چهار زن است. رسول خدا (ص) خطاب به

حذیفه فرمود:

فرشته‌ای که تاکنون به زمین نیامده بود، از خداوند اجازه گرفت و به زمین آمد تا به من سلام کند و مژده دهد: که

فاطمه سرور زنان بهشت است و حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت هستند. [۳].

[۱] صحیح ابن‌ماجه؛ باب بیماری پیامبر (ص)؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۲۸۲؛ صحیح مسلم، کتاب فضائل

الصحابه، باب فضائل حضرت زهرا (س).

[۲] مستدرک الصحيحین؛ ج ۲، ص ۴۷۹.

[۳] صحیح ترمذی؛ ج ۲، ص ۳۰۶، باب مناقب امام حسن و امام حسین (ع).

پاره تن پیامبر

در تمام منابع اهل سنت چه در صحاح و چه غیر آن؟ این حدیث آمده است که رسول خدا (ص) فرمود: فاطمه پاره

تن من است هر کس او را خشمناک کند مرا خشمناک کرده است. [۱].

[۱] صحیح بخاری؛ کتاب بدء الخلق، باب مناقب اقرباء رسول خدا (ص) مناقب حضرت زهرا (س)؛ صحیح ابی داود،

ج ۱۲، باب مکروهات جمع میان زنان؛ صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابه، باب فضائل حضرت زهرا (س)؛ صحیح

ترمذی، ج ۲، ص ۳۱۹ باب فضیلت فاطمه (س).

مقام عصمت

این آیه قرآن «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» [۱] نشانگر آن است که «اهل

بیت» پیامبر (ص) معصوم از گناه هستند. سخن در این است که اهل بیت، چه کسانی هستند؟

صاح اهل سنت پاسخ را مشخص کرده‌اند؛

عایشه می‌گوید: بامداد یکی از روزها، رسول خدا (ص) بالاپوش خود را که از پشم سیاه بافته شده بود، بر دوش

گذاشت و عازم بیرون از منزل بود. در این موقع، امام حسن (ع) و سپس امام حسین (ع) و بعد از این دو، فاطمه

(س) و سپس علی (ع) وارد شدند. هر کدام که وارد می‌شدند، پیامبر عبای مبارک را بالای سر او قرار می‌داد و

آنگاه که همه جمع شدند، همان آیه را تلاوت کرد در این بین ام‌سلمه یکی از همسران رسول خدا (ص) گوشه ردا

را بالا زد خواست خود را به آنان ملحق کند، پیامبر (ص) عبا را از دست او کشید و فرمود: تو خوب هستی و لکن

جزء اینها نیستی. [۲].

این حدیث علاوه بر اینکه مقصود از اهل بیت را در نظر پیامبر (ص) و قرآن مجید مشخص می‌کند، عصمت زهرای

مرضیه را نیز ثابت می‌کند.

[۱] احزاب / آیه ۳۳.

[۲] صحیح مسلم؛ کتاب فضائل صحابه، باب فضائل اهل بیت پیامبر (ص) و باب فضائل علی (ع)؛ صحیح ترمذی، ج

۲، ص ۳۰۸ و ۲۰۹.

در مباحله

پیکر اجتماع هر گاه دچار افراد منحرفی می‌شود که رستگاری انسانها را به خطر می‌اندازند، انبیاء که طبیبان الهی هستند، به وسیله «نفرین» یا «مباحله» اقدام به نجات جامعه انسانی می‌کنند. در باره پیامبر نیز واقعه‌ای تاریخی در این باره روی داده است:

مسیحیان سرزمین یمن که نشانه رسالت را در وجود پیامبر (ص) مشاهده کردند، به عناد و شب‌پرستی خود، اصرار ورزیدند و از قبول آیین حق روی برگرداندند. پیامبر پیشنهاد مباحله داد و آنان پذیرفتند، چون موعد مقرر فرا رسید، دلهره سراپای وجودشان را فرا گرفت بناگاه مشاهده کردند پیامبر (ص) پدیدار گشت و حسن (ع) در کنار، حسین (ع) در آغوش و زهرا و علی پشت سر حضرت. رو کرد به همراهان و فرمود: هرگاه نفرین کردم، شما آمین بگویید.

«عاقب» سرپرست ترسایان با دیدن انوار پنجگانه حقیقت را متوجه شد و احساس کرد نفرین اینان یعنی نابودی کلیسا. رو به همراهان خود کرد و گفت: من چهره‌هایی را مشاهده می‌کنم که اگر از خدا بخواهند کوه را از جای برکنند دعای آنان مستجاب است و تا قیامت نصرانی بر روی زمین باقی نخواهد ماند.

آنان نیز که خود چنین احساسی در دل داشتند، از مباحله دست برداشتند. [۱].

زمخسری می‌گوید: آوردن این افراد دلیل است که آن حضرت واقعا قصد مباحله داشت نه آنکه صرف تهدید بود، چرا که عزیزترین افراد و پاره‌های جگر و محبوبترین افراد را در معرض خطر احتمالی قرار داد. [۲].

[۱] صحیح مسلم؛ کتاب فضائل صحابه، باب فضائل حضرت علی (ع). صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۱۶۶ - تفسیر کشاف،

ذیل آیه مباحله.

[۲] تفسیر کشف، ذیل آیه مباهله.

دوستان فاطمه

از بیانات بزرگان دین آموخته‌ایم که دین چیزی جز محبت نیست و آیین الهی تولی و تبری است. علی (ع) می‌گوید: روزی رسول خدا (ص) دست امام حسن و امام حسین (ع) را گرفته و فرمود: کسی که من و این دو و پدر و مادر این دو را دوست‌بدارد، در روز قیامت با من در یک درجه خواهد بود. [۱].

[۱] صحیح ترمذی؛ ج ۳، ص ۳۰۱ - تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی. ج ۱۰، ص ۴۳۰.

ازدواج

جهیزیه

عایشه و ام‌سلمه نقل می‌کنند: رسول خدا (ص) به ما دستور داد، جهیزیه فاطمه (س) را برای رفتن به خانه علی (ع) آماده سازیم.

بنا به فرمان رسول الله (ص) ابتدا سطح خانه را از خاکهای نرم زمین بطحاء پوشانیدیم و پس از آن، دو بالش تهیه کردیم و آن دو را با دست خود، از لیف خرما پر کردیم. آنگاه غذایی از خرما و کشمش ترتیب دادیم. آب گوارایی

نیز آماده کردیم، چوبی در یک طرف خانه گذاشتیم که لباسها و مشک آب را بدان بیاویزند. ما هیچ عروسی را بهتر از عروسی فاطمه (س) ندیدیم. [۱].

[۱] صحیح ابن ماجه؛ ص ۱۳۹.

هدیه پیامبر، به مناسبت ازدواج

علی (ع) می فرماید: رسول خدا (ص) پارچه سفید رنگی از پشم به من و زهرا مرحمت فرمود و ما خود را به آن پارچه آراستیم. و بعد از این به منزل ما تشریف آورد و بالشتی که از نوعی گیاه پر شده بود و مشک آبی به ما عنایت کرد. [۱].

[۱] همان، ص ۳۱۶.

هدیه فاطمه به علی

هدیه سبب انس و الفت است پس چه بهتر که این امر بین خود عروس و داماد رسم باشد، تا لحظات زندگی را شیرین و زن و مرد و محیط خانه سبب آرامش گردد.

علی (ع) نقل فرمود: فاطمه اطهر (س) هدیه‌ای (فرشی) به مناسبت ازدواجمان تقدیم کرد که تا آن هنگام فرش ما منحصر به یک پوست گوسفند بود. [۱].

[۱] همان.

فاطمه در منزل علی

دختران شخصیت‌های بزرگ، چه بسا کار کردن در منزل شوهر را برای خود ننگ به حساب آورند و این احساس ناشی از کوچک شمردن کار و احساس شخصیت کاذب در خود است. اما کدام شخص با عظمت‌تر از وجود رسول گرامی اسلام است و کدام زن متشخص‌تر از فاطمه (س)؟! علی (ع) فرمود: فاطمه (س) به قدری مشک آب به دوش کشید که اثر بند مشک در گلوی فاطمه (س) باقی ماند و چندان دستاس کرد که دستهای فاطمه تاول زد و آن قدر زیر دیگ را آتش کرد که حرارت آتش رنگ لباسهایش را از بین برد. [۱].

ماجرای تسبیحات حضرت زهرا (س) ناشی از زحمات طاقت‌فرسای فاطمه (س) بود. علی (ع) که از نزدیک شاهد زحمات همسرش بود، در این مورد می‌فرماید:

فاطمه از ناراحتی که به سبب چرخاندن آسیاب دستی در دست خود احساس می‌کرد، نزد پدر آمد تا کنیزی برای یاری رساندن به او در خانه عنایت کند. رسول خدا (ص) در منزل تشریف نداشت زهرای مرضیه برگشت. عایشه جریان آمدن فاطمه (س) را به اطلاع پیامبر رساند. پیامبر بلافاصله به منزل ما آمد و فرمود: آیا می‌خواهید چیزی

به شما پیاموزم که بهتر از تقاضای شما باشد؟ در هنگام خواب ۳۴ مرتبه تکبیر، ۳۳ مرتبه سبحان الله و ۳۳ مرتبه الحمد لله بگوئید. [۲].

[۱] صحیح ابن داود؛ ج ۲، ص ۲۹، باب تسبیح هنگام خواب.

[۲] صحیح بخاری؛ کتاب بدء الخلق، باب مناقب علی (ع) و کتاب خمس باب اختصاص خمس به نایبان رسول الله (ص) - صحیح مسلم، کتاب ذکر و دعا تسبیح اول روز و هنگام خواب.

مناظرات فاطمه

مهمترین مناظره فاطمه زهرا (س) مناظره‌ای سیاسی بود که جنبه اقتصادی نیز داشت. این بحث بین آن حضرت و خلیفه اول و دوم بود. در ظاهر این مناظرات به مسائل مالی برمی‌گردد ولی در واقع مسائل خلافت و رهبری مسلمین مد نظر بود چه آن جز علاقه و انس با خدا در دلش نبود و مسائل دنیوی هیچگاه برای آن حضرت نگرانی ایجاد نکرد.

فاطمه (س) به دنبال ارث پدر آمد، ولی خلیفه اول جواب داد: پیامبر (ص) فرموده: ما پیامبران ارث باقی

نمی‌گذاریم آنچه از ما باقی بماند صدقه است، یا در اختیار حاکم همان زمان است. آنگاه فاطمه بر خلیفه اول

غضب کرد و تا آخر عمر با او صحبت نکرد و بعد از پیامبر (ص) شش ماه زنده بود. [۱].

جوابهایی که از خود صحاح ششگانه در مورد سخن خلیفه اول به دست می‌آید چنین به نظر می‌رسد: اول: در

بحث فضایل آن حضرت گذشت که غضب فاطمه به معنی غضب رسول خدا (ص) است و این احادیث مقید به

صورت خاصی نشده است. بنابراین رسول خدا (ص) غضبناک شد!!

دوم: به موجب احادیث وارده مقصود از اهل بیت و شان نزول آیه تطهیر، حضرت زهرا (س) معصوم از گناه بود،

پس چگونه چیزی را خواست که مستحق آن نبود؟!

و سوم اینکه: بعد از این تقاضای حضرت زهرا (س) خلیفه دوم اموال پیامبر (ص) در مدینه را در اختیار علی (ع) و

عباس قرار داد، ولی خیبر و فدک را نه. [۲] اگر اموال پیامبران صدقه است و این حکم غیر قابل تغییر است او

چگونه این عمل را انجام داد؟

علماء شیعه جوابهای مفصل از این حدیث داده‌اند از جمله شیخ مفید کتاب مستقلی در این مورد به نام «رسالة

حول الحدیث نحن معاشر الانبیاء لانورث» تالیف نموده است.

[۱] صحیح مسلم؛ ج ۵، ص ۱۵۳ - مسند احمد، ج ۱، ص ۶ - صحیح ابی داود، ج ۲، ص ۲۳.

[۲] مسند احمد بن حنبل؛ ج ۱، ص ۶.

در سوگ پدر

به همان مقدار که بودن در کنار پدر برای صدیقه کبرا روح بخش بود، فراقش طاقت فرسا می‌نمود. دیدار پدر، نسیم

بهارى بود که جسم و جان فاطمه را شادی می‌بخشید و فراقش باد سموم خزان.

هنگامی که بیماری پیامبر خدا (ص) شدت گرفت و نفس گرم آن حضرت به سختی در جریان بود، فاطمه (س) با دلی رنجور در کنار بستر نشست و با چشمانی اشک آلود چهره پدر را می‌نگریست. پیامبر در آن حال به فاطمه فرمود:

دخترم ناراحتی من همین امروز است و بعد از این، راحت می‌شوم. چند لحظه بعد صدای مهربانش خاموش شد و کبوتر روحش به آشیانه‌ای که قدسیان برای او تزیین کرده بودند پر کشید. فاطمه (س) که لبهای ساکت پدر را دید، با یک دنیا غم و اندوه به وسیله این جملات در فراق پدر نوحه‌سرایی کرد:

«ای پدر، دعوت حق را اجابت کردی و در بهشت‌ترین جای گرفتی ما ارتحال تو را به جبرئیل تسلیت می‌گوییم.»
پس از آنکه بدن مطهر رسول خدا (ص) را به خاک سپردند فاطمه زهرا رو به انس کرده فرمود:
ای انس، چگونه راضی شدید خاک بر بدن مطهر رسول خدا بریزید. [۱].

[۱] صحیح بخاری؛ کتاب بدء الخلق، باب بیماری پیامبر (ص) - صحیح نسائی، ج ۱، ص ۲۶۱ باب گریستن بر میت - صحیح ابن‌ماجه، ابواب جنائز، باب دفن و وفات پیامبر (ص).

رحلت

در صحاح سته از رحلت فاطمه زهرا (س) و کیفیت آن، سخنی به میان نیامده است و فقط به ذکر این مطلب بسنده کرده‌اند که آن حضرت شش ماه بیشتر بعد از پدر در قید حیات نبود.

مطلبی که در این مورد شایان ذکر است، سخن احمد بن حنبل است که از اطلاع فاطمه (س) از زمان رحلت خویش خبر می‌دهد.

ام سلمه می‌گوید: در آخرین بیماری فاطمه (س) که در پی آن، دار فانی را وداع گفت، من پرستاری آن حضرت را بر عهده داشتم. در یکی از روزها که علی (ع) خارج از منزل بود و فاطمه (س) نیز مثل روزهای قبل در بستر بیماری بود به من فرمود: آب حاضر کن. آنگاه غسل کرد، چنان غسلی که مانند آن را ندیده بودم. سپس به کنیز خود فرمود: لباسهای نو مرا بیاور. جامه‌ها را پوشید. و بعد دستور داد رختخواب مرا در وسط اتاق پهن کنید. رختخواب که مهیا شد به پهلو و رو به قبله خوابید و دست مبارکش را زیر گونه مبارکش نهاد و فرمود: اینک لحظه وداع رسیده و من به ملاقات پروردگار می‌روم بدنم پاکیزه است و غسل کردم و نیازی به غسل ندارم بنابراین بدن مرا برای غسل عریان نکنید. این جملات را بر زبان آورد و در همین لحظه جان را تسلیم معبود کرد. [۱].

روایات

در تعدادی از روایات صحاح ست، فاطمه زهرا (س) در سلسله اسناد واقع شده و روایتی را از پدر بزرگوارش نقل می‌کند اما تعداد این روایات زیاد نیست در این جا به ذکر دو روایت اشاره می‌کنیم:

- ۱- فاطمه زهرا (س) می‌فرماید: روش پیامبر بر این بود که وقتی داخل مسجد می‌شد می‌فرمود: «بسم الله و السلام علی رسول الله اللهم اغفر لی ذنوبی وافتح لی ابواب رحمتک. و هر گاه خارج می‌شد می‌فرمود: بسم الله و السلام علی رسول الله اللهم اغفر لی ذنوبی وافتح لی ابواب فضلک. [۱].

۲- فاطمه زهرا (س) می فرماید: پدرم به من تعلیم داد و فرمود: صبح که از خواب بلند می شوی بگو: سبحان الله و بحمده لا قوة الا بالله ما شاء الله كان و ما لم يشا لم يكن. کسی که این دعا را بخواند تا شب در امان است و کسی که شب بخواند تا صبح در امان است. [۲].

[۱] صحیح ابن ماجه؛ کتاب ۵، مساجد و جماعات، حدیث ۱ - مسند احمد بن حنبل حدیث ۲۵۲۱۲ - صحیح

ترمذی، حدیث ۲۸۹.

[۲] صحیح ابن داود؛ حدیث ۴۴۱۳.